



این روزنامه هر ماه یک بار
در ۱۶ صفحه نشر میشود

عنوان مراسلات
Redaktion Kaveh:
Berlin-Charlottenburg,
Leibnizstr. 64

کافه

۱۳۲۴

قیمت اشتراک

موقتاً (تا عودت میزان پول بحالت طبیعی)

سالیانه	هر شماره
در ایران ... ۲ تومان	۲ قران
در آلمان ... ۴۰ مارک	۴ مارک
در سایر ممالک ... ۲۰ فرانک	۲ فرانک

۱۴ مهر ماه قدیم ۱۲۸۹ = زردگردی = غرة جمادی الآخرة ۱۳۳۸ = ۲۱ فوریه ۱۹۲۰ • Neue Folge • Nr. 2 • Jahrg. 5

دورنمای ایران

مطالعه جراید

خارجی از کواکب ثابته موجود و مرقی نبود که مارا ملتفت تغییر محل نسبت بان نقاط ثابت خارج از محیط دایره خودمان بنماید. همینطور است امروز حالت اخلاقی و علمی در ایران که اگر خوشبختانه یک نقطه نورانی ثابته در مغرب زمین که خارج از دایره حکم خوانین ایران و دور از دست رس و (بقول خودشان) بسط ید قاضیان کفر و ایمان و حق و ناحق و صواب و خطا (باحق انحصار) میباشد موجود نبود داو طلب اثبات کرویت زمین یا وجود امریکا یا قبح برده فروشی در نظر و گلیاگان بواسطه اجماع مسلمین (که از ادله اربمه اصول است) برخلاف او و خجالت در محضر شرع و عرف بالاخره دیوانه میشد.

بهین سبب است که ما میخواهیم گاهی در زیر عنوان فوق بعضی احساساتی را که ایرانی در اروپا از اخبار مملکت خودش حاصل میکند بنگاریم و در این باب هیچ غرضی نداریم جز بیداری هموطنان خصوصاً بصدای غایب و دور افتاده و بیغرضی که مانند صدای اموات خارج از قبر مبرا از شائبه بوده و مؤثر تواند شد.

اخبار اخیر که در جراید ایران دیده میشود بطور کلی و رویه مرته دو علامت خوب نشان میدهد یکی سعی در برقراری امنیت و قطع ریشه

آن ایرانیان که دور از وطن خود و خصوصاً در فرنگستان و آمریکا مقیم هستند با کمال توجه و حساسیت زیاد چشم بسوی اخبار مرز و بوم خود داشته و از خوبی و بدی آن اخبار شادمان و یا اندوهگین، سر بلند و یا سرفکننده میشوند. لهذا شاید احساسات این قسمت از انبای وطن که در میان بیگانگان زندگی میکنند اهمیتی در ایران داشته باشد و در نظر بعضی میزانی باشد برای تمیز حسن و قبح پاره‌ای کارها در یک سرزمینی که گاهی هیچ میزانی برای زشتی و زیبائی امور اجتماعی نیست و غالباً حسن و قبح اشیاء و امورها ذاتی نمیدانند. این خود یک نکته فلسفی است برای آن اقوام و هیئتهای اجتماعی که در داخل خود هیچ اساس محکم اخلاقی ثابت و میزان سنجش ندارد (و اگر هم داشته متروک شده است) و بهترین مثل برای آن شاید مسئله حرکت زمین است که سکنه آن مانند کرم توی سبب ممکن نبود حرکت را بفهمند اگر یک میزان و مقیاس ثابت

بیچارگان سعی دارند نشان بدهند ملت ایران بهیچ وجه وحشی و متعصب نیست ولی از آنطرف نه تنها رئیس کاکاوند بلکه والی پایتخت قدیم ایران عملاً آنانرا تکذیب میکنند. اینک قطعه اقباس از قول نماینده بزرگ ایران:

اعلیحضرت همایونی در نطق خود در گیلد هال (اداره بلدیه لندن) در ۲۶ محرم ۱۳۳۸ چنین فرمودند: «من نماینده یک وضع و ترتیب جدید مبنی باساس حریت هستم که ملت من از آن وضع منتظر تجدید و اصلاح و احیای مملکت خود میباشد، آن تجدید و اصلاحی که تاخال بواسطه نفوذهای ناموافق جلوگیری شده بود.»

[نقل و ترجمه از روزنامه «تیس» لندن مورخه ۳ نوامبر ۱۹۱۹ میلادی]

قتل اجتماعی

بالآخره در ۱۸ جمادی الأولى ۱۳۳۸ عهدنامه صلح رسماً از طرف دول متفق تصدیق گردید و دیگر میتوان گفت که روزگار جنگ سپری شد و از نو صلح و آشتی که حالت طبیعی هیئت اجتماعی است برقرار گردید. مسئله اینکه آیا میشود که روزی نوع بشر برای تصفیه امور و رفع مرافعات خود محتاج باین نباشد که از هر طرفی هزارها بلکه کروورها اشخاص مسلح بزم ریختن خون و ویران نمودن کاشانه همدیگر راه افتاده و آتش و خون بجان و مال هم بزنند و بوسیله قلع و قمع طرف ادعای خود را بخیال خود مشروع نموده و نتایج زحمت سالیان دراز فکر و کار یک قومی را عاقل و باطل گذاشته و باسم اینکه فتح کردیم و دیگر در مملکت دشمن جز زنان بیوه و کودکان ناتوان جاننداری باقی نگذاشتیم شادمان و سرافراز بخانه خود برگردند، این مسئله از یک طرف طرفداران بسیار و از طرف دیگر معارضین زیاد دارد که هر کدام برای اثبات مدعای خود دلها آورده و تحقیقاتی مینمایند که ذکر آنها خارج از مقصود ماست. از جمله طرفداران صلح که اعتقاد محکم دارند که جنگ هم مانند همه بقایای عهد و حشیکبری بتدریج در مقابل ترقیات عوالم معنوی نوع بشر از میان خواهد رفت فلاماریون عالم و منجم مشهور فرانسوی است که در خیلی از کتابهای خود در خصوص سیئات جنگ داد سخن را داده و در آن باب احصائیات علمائه بسیار مفیدی ترتیب داده است و ما در اینجا محض نمونه بعضی از مطالب کتاب مشار الیها که موسوم است به «آخر دنیا» بنظر خوانندگان میرسانیم:

فلاماریون را عقیده این است که جنگ پیش از قرن ۲۰ میلادی یعنی تا ۵۰۰ سال دیگر بکلی منسوخ خواهد شد و میگوید در قدیم الایام جنگ عموماً بین اهالی دهات بود و این گونه جنگها در قرن سیزدهم هجرت هم در افریقای مرکزی دیده میشد ولی چون آن دزجه و حشیکبری گذشت آن گونه جنگ هم بتدریج از میان رفت و دهات با هم مع شده و بنای تشکیل ایالتها گذاشتند و جنگ بین این ایالت و آن ایالت شروع شد مثلاً بین آتن و اسپارت، رُم و قرطاجنه، پاریس و دیژن، لندن و ادسبورگ و غیره و تاریخ روپهرفته عبارت بود از شرح این جنگهای بین ایالتی. ولی کم کم ایالتها هم بصورت مملکتها در آمد و پیرقها و سرحدات متمایزه ایالتی از میان رفت و پیرقها و سرحدات دیگری جای آنها گرفت و آنوقت مردم بنا کردند باینکه

دزدان و راهزنان و اشراار ولایات که یکی از بهترین مآثر این عهد است و در واقع باید دولت ایران را باین اعلان جنگ که بدزدان آشکار و رسمی کرده تبریک گفت و کامیابی و فتح او را در این جهاد امنیت برضد دودمانهای قطاع الطریق که از عهد سام نریمان و افراسیاب تا امروز مسلط بر رعایای بدبخت ایران هستند آرزو کرد. دوم خبر بسیار خوش و بلکه خوشترین کل اخبار است که در جراید متوالیاً دیده میشود از اهتمام در امور مدارس و علوم که در هر شماره از جراید ایران دیده میشود: مخارج مدرسه خوانسار و بودجه معارف یزد حواله شد، برای تأسیس مدرسه در کردستان اقدام شد، میزان خرج مدرسه شیراز افزوده گشت... الخ. اینهاست که تأثیرات یزدانی است و ایران را براه غلبه باهریمن میرسد و اینهاست که ایرانیان دور افتاده را در غربت دلشاد و با افتخار مینماید.

بر عکس این است آنچه دیده میشود از وحشیکگریهای هولناک که بقایای دورههای قدیم در گوشه و کنار برای یاد آوری عهد عزیز خان سردار کل و حکام سفاک چهل سال قبل در مثله کردن مردم قدرت نمائی میکنند. برای این فقره دو قطعه نمونه از جراید ایران را ذیلاً درج میکنیم:

«اعظم السلطنه رئیس کاکاوند ضعیفه ای را بجرم سرقت موزر پستان داغ نموده و انواع و اقسام زجر و اذیت را درباره او مجری داشته است.»

[نقل از روزنامه «رعد» شماره ۱۰۲]

«اصفهان: بر حسب امر سردار جنگ دو نفر از اشرار را در دستجرد و چهار نفر را در گردنه گویسه گچ گرفتند.»

[نقل از روزنامه «رعد» شماره ۱۴۰، مورخه ۲۹ ذی الحجه ۱۳۳۷]

از طرف دیگر شیوع بعضی عادات غیر مشروع و ظلمانی است که با کمال تأسف دیده میشود بجای زوال بر رواج خود میافزاید. برای مثال این گونه امور خارج از شرع و عقل و تمدن نیز نمونه ذیل را نقل میکنیم:

«استراباد: در این سنوات بواسطه فشار روسها و دماغ سوختگی اهالی چنین عزا داری بر شور و هیجانی در استراباد نشده بود ولی چون طرز دستجات اینجا طرز غربی است و تماماً با چوب و چماقهای عظیم جست و خیزهای فوق العاده میکنند ثقه السلطنه معاون حکومت برای آموختن طرز عزا داری یک دسته دولتی ترتیب داده اند.

... یک زنگ بزرگ که گویا نافوس کلیسیا بوده است تراکه قبل از محرم بطور قاچاق آورده بودند جماعتی آن زنگ را برای سقاخانه حضرت عباس بملغی خریداری نموده و بالای درخت چناری که در وسط تکیه واقع است آویخته تا یکی دو روز اوایل محرم زنگ را بصدا در آورده که در تمام شهر صدای آن شنیده میشد و چون وصلة منهبی و متعلق بخارجه بود حکومت توسط آقا میرزا محمد مهدی بجهت زنگ را توقیف نمود و گویا آقا میرزا محمد مهدی هم خودشان تلگرافی بمقام ریاست وزرا محابره نموده و تکلیف خواسته اند.»

[نقل از روزنامه «رعد» شماره ۱۰۳، مورخه ۲۰ محرم ۱۳۳۸]

وقتی که این گونه اخبار شرم انگیز را با آنچه نمایندگان دولت و ملت ایران در خارجه برای احقاق حقوق ایران در مجامع و جراید برای اثبات تمدن بودن ایران و استحقاق او باستقلال و آزادی میگویند و مینویسند مطابقه کنید انسان پیش خود قدری خجل میشود. این

قیح این عمل و برای تصور اینکه چرا باید قتل‌های انفرادی جنایت واقعیت سیئات شمرده شده قاتل از طرفی محکوم بقصاص و از طرف دیگر مسلوب از شرف و خارج از اجتماعات نجیب شمرده شود و قتل‌های اجتماعی باعث افتخار پیش آهنگان آن گردیده و نشان شرافت با آنها داده شود چنانکه در قرون ماضی در میان ملل غیر متمدن قتل‌های شخصی هم جزای درستی نداشت.

برای نشان دادن نمونه‌ای از اینکه خیال استیلای ملل دیگر و جنگ و جدال دائمی باعث چه زحمتهای و مساعی طولانی برای روی زمین بجهت مدائعه خود شده مقاله ذیل مبنی از قرون قدیم بدست می‌دهد که علاوه بر نشان دادن مساعی بشری برای مجادله بدون علت یا همدیگر دارای فواید علمی نیز هست.

دیوار چین

بزرگ‌ترین سنگری که دست بشری در روی زمین برای مدافعه خود ساخته و تا امروز با وجود مرور دهور تقریباً بهمان جسامت اولی خود باقی مانده و دستبرد زمانه در انهدام آن چندان تأثیری نداشته است دیوار چین است.

این دیوار را بزبان مغولی «یاوان کزبا» میگویند یعنی دیوار سفید اما خود چیزها آنرا «وان لی چانچونگ» (۱) یعنی دیوار ده هزار «لی» (۲) مینامند در صورتیکه در حقیقت طول این دیوار پنج هزار «لی» میباشد که معادل میشود تقریباً با ۴۱۰ فرسنگ (۳) یعنی تقریباً درست فاصله بین کوه ارارات که منتهی نقطه شمالی (شمال غربی) ایران و چابهار که تقریباً منتهی نقطه جنوبی (جنوب شرقی) ایران است.

از قرار اسنادی که بدست آمده است معلوم میشود که بنای این دیوار در عهد سلطنت خاقان معروف چین شیوانگتی (۴) که از سنه ۲۰۹ تا ۲۲۱ قبل از میلاد مسیح حکمران بوده است شروع شده است. بر حسب تحقیقات اخیر چنان ظاهر میشود که این دیوار گویا در عهد سلسله پادشاهان مینگ (۵) که از سنه ۷۷۰ تا ۱۰۰۴ هجری سلطنت رانده‌اند تعمیر و اصلاح شده است. در بعضی جاها این دیوار را دو سه ردیف یعنی دو سه سلسله دیوار پشت سر هم بنا کرده‌اند چنانکه در حوالی شهر پکن همینطور است و دروازه معروف کیونگکوان (۶) هم که بدنه آن بزبانهای مختلف از قبیل سانسکریت و چینی و مغولی و تبتی و چوچی خطوطی نوشته‌اند در همان حوالی واقع است.

بیشتر از دو هزار سال از تاریخ بنای این دیوار گذشته است و باز هم بنا با استحکامی که اکنون دارد میتوان گفت که چندین هزار سال دیگر هم بهمین وضع باقی خواهد ماند.

بیچهای خود اتحاد و یگانگی با دشمنان ایالتی در روزی و دشمنی با ممالک تازه ایجاد شده را یاد بدهند و «جوانهارا لباسهای رنگارنگ مخصوص پوشانند برای اینکه بروند همدیگر را بکشند». احصائیات ثابت میدارد که جنگ در هر قری منظمآ ۴۰ میلیون نفوس را بکشتن داده یعنی هر روزی هزار و صد نفر و در عرض این سه هزار سالی که از تاریخ نوع بشر کم یا بیش روشن است تقریباً همان مقداری که امروز کره زمین سکنه دارد همان قدر را هم جنگ از میان برده است و مصارف این آدم کشها فقط در قرن ۱۳ هجرت بالغ بر ۷۰۰ میلیارد فرانک شده است و همین گونه مصارف باعث شد که اغلب ملتها مبالغ هنگفت مقروض شدند چنانکه در سال ۱۳۱۱ فقط ممالک اروپا ۱۲۱ میلیارد فرانک قرض داشتند از قرار ذیل:

فرانسه	۳۲	میلیارد فرانک	ایتالی	۱۱	میلیارد فرانک
روسیه	۲۰	»	اتریش	۱۰	»
انگلیس	۱۸	»	آلمان	۹	»

و پانزده مملکت دیگر هم معاً ۲۱ میلیارد.

و از اینقرار هر نفر آدمی که متولد میشد از همان دقیقه‌ای که چشم میگشود از قرار ذیل مقروض بود:

فرانسوی	۹۸۷	فرانک	اتریشی	۲۷۵	فرانک
انگلیسی	۵۰۰	»	روسی	۲۲۰	»
ایتالیائی	۳۷۵	»	آلمانی	۲۰۰	»

در صورتیکه یک نفر امریکائی چون امریکا مصارف قشون نداشت فقط ۹۰ فرانک مقروض میشد. فرانسه تنها در ظرف ۲۲ سال از ۱۲۸۶ تا ۱۳۰۹ مبلغ قرضش از ۱۳ میلیارد و نیم فرانک به ۳۱ میلیارد و ۶۶۰ میلیون رسید و در این سال اخیر یعنی ۱۳۰۹ در اروپا ۳،۳۰۰،۰۰۰ نفر قشون تحت سلاح بوده است که هر نفری بمیزان متوسط سالانه ۱۴۴۲ فرانک مخارجش میشده در صورتی که اگر این اشخاص را میگذاشتند عوض اینکه فن آدم کشی را تکمیل کنند بروند کار بکنند دست کم هر نفر از آنها در سال ۱۰۰۰ فرانک نتیجه کارش میشد.

ولی چنانکه دیده میشود احصائیات فوق راجع است بسی چهل سال پیش و از آن تاریخ بعد مدام بر بودجه ممالک و قروض آنها افزوده گردیده است و مخصوصاً در این سالهای جنگ مخارج قشون کشی و جنگ چنان سنگین شده که تخمین آن هم سخت است و باید منتظر شد تا احصائیات کامل بدست آید.

وضع قتل عام در هیچ عصری و در هیچ یک از جنگهای بزرگ دنیا حتی در استیلای مغول که وحشی‌ترین اقوام دنیا بودند باین حد که در این عهد دیده شد نرسیده بود و سبب این جنون اجتماعی و عدم التفات بهج بدیهی این عمل همانا عادت مصنوعی و تزئین عمدی اطفال است بمقتضای آن ورنه یک دقیقه فکر با عقل سلیم کافی است برای درک

(۱) Wanlitschangtschöng

(۲) Li واحد مقیاس طول چینی است که مساوی است تقریباً با ثلث فرسنگ.

(۳) ۲۴۵۰۰ کیلومتر.

(۴) Kuyungkwan (۶) Ming (۵) Schihwangti (۴)

در سال قوی تیل ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ مینویسد که متضمن مطالب مفیده است و از آنجائی که در شمارهای دوره قدیم کاوه (۱) تا بحال چندین بار در خصوص شرکت مزبور مقالاتی نوشته شده بود اکنون نیز محض مزید بصیرت خوانندگان راجع بعایدات معادن نفت معدن نفتون (یا معادن نفت بختیاری) که امروزه یکی از منابع مهم ثروت ملکی ایران بشمار میآید از مضمون مندرجات مقاله مزبوره «تیس» مختصری مینویسیم.

منافع خالص شرکت در سال مزبور عبارت بوده است از ۲،۰۱۰،۸۰۰ لیره انگلیسی در صورتیکه سه سال قبل از آن یعنی در لوی تیل ۱۳۳۳-۱۳۳۴ فقط ۱۶،۰۰۰ لیره بوده است یعنی در عرض سه سال ۱۲۵ برابر شده است (عایدات مزبور که بنرخ قبل از جنگ در تبدیل بقران بالغ به ۱۲،۰۰۰،۰۰۰ تومان میشود یک ربع هم از تمام عایدات دولتی ایران بیشتر است) و این در صورتی است که هنوز خیلی اسباب کار شرکت مزبور ناقص است و بهمین جهت شرکت میخواهد برای اینکه بتواند مقاصد خود را اجرا نماید سرمایه خود را زیاد نموده و تا ۲۰،۰۰۰،۰۰۰ لیره انگلیسی برساند و مبلغ ۶،۰۰۰،۰۰۰ لیره اسهام از آن بنا بوده در همان دوّمین دهه ربیع الاول ۱۳۳۸ بمقام فروش گذاشته شود و البته تا بحال تمام شده است. در خصوص مبلغ خسارتی که شرکت مزبور از دولت ایران راجع بخروانی لوله های نفت از جانب عثمانیها مطالبه میکند معلوم میشود هنوز مذاکرات نتیجه ای نبخشوده است. شرکت مزبور که تا سال قوی تیل از قرار ۶ و ۸ در صد منفعت بصاحبان اسهام خود داده بود در سال مزبور ۱۰ در صد داده است. صاحب مقاله در روزنامه «تیس» مینویسد که شرکت نفت مذکور همواره کوشش میکند که دستور خود را بانجام رساند و فقره عمده نقشه خیالی وی این است که شرکت مزبور از شرکتهای نفت اول درجه دنیا گردد.

علوم و صنایع در آلمان

(۲)

(بسته از شماره پیش)

زبان آلمانی

عده مردمی که در روی زمین زبان آلمانی تکلم مینمایند بسبب صد کرور میرسد. غیر از ممالک اتریش سابق و روسیه که کم یا بیش در آنجا مدارس مخصوص آلمانی موجود است در مجموع سایر ممالک اروپا ۸۰ باب مدرسه آلمانی موجود است. مدارس آلمانی در سایر قطعات روی زمین از این قرار است:

در ممالک آسیا	۲۰	باب
» آفریقا	۲۴	»
» آمریکا بالغ بر	۱۰۰۰	»
» استرالیا	۵۰	»

چینیا این دیوار عظیم را در طرف شمالی مملکت خود برای دفع استیلای قوم وحشی مغول که جنگ و خوینزری را زیاده از حد دوست میداشته اند بنا کرده اند.

سیاح آلمانی موسوم به وارت آگ (۱) در باب دیوار چین چنین مینویسد: «ارتفاع این دیوار یازده الی دوازده ذرع است و عرض آن در طرف قاعده ده ذرع است. این دیوار با سنگهای سماق چهار گوش بنا شده و بدون آنکه امتداد آن قطع شده باشد از وسط صحرا و قتل شاخه کوهها و دره های عمیق میگردد و قسمتی از آن در قلّه کوهها در میان ابر مستور و ناپدید است. این سدّ سدید از طرف مشرق بطرف مغرب بمسافتهای دور و دراز از ساحل دریای زرد شروع شده و تا وسط صحرای گوبی (۲) در طول تخمیناً ۵۰۰ فرسنگ تمتد است. اگر این مسافت بیدرا در اروپا فرض کنیم از اسکوتلاند جزیره بریتانی شروع شده و میرسد تا بداردائل یا از شبه جزیره قریم تا دریای منجمد شمالی. و حقیقه طول و عظمت این دیوار انسان را مات و متحیر میسازد که نوع بشر بیچاره برای حفظ جان و مال خود مجبور بجه کارهای فوق العاده ای بوده و هست.

اهرام کتوئیس (۳) که بزرگترین اهرام مصر است و بنا بروایت مورخ معروف یونانی هرودوت صد هزار عمه در مدت سی سال آنرا بنا کرده اند و بزرگی حجم آن دو میلیون و نیم متر مکعب است که تمام از سنگ خارا بنا شده است در موقع مقایسه با دیوار چین بنای محقری میشود چه حجم دیوار چین ۳۰۰ میلیون متر مکعب است یعنی ۱۲۰ بار بزرگتر از اهرام مذکور است و از اینرو میشود استنباط نمود که برای ساختن آن چند میلیون نفس در چند سال مشغول بوده اند و افسوس که در این باب تا امروز چیزی از تواریخ و آثار در دست نیست. بعلاوه برای بنای دیوار چین مشکلاتی در پیش بوده که برای اهرام مذکور نبوده است چونکه اهرام بزرگ مصر در یک حوزه آباد و در جوار رودخانه بزرگی مثل نیل واقع است در صورتیکه قسمت عمده دیوار چین از میان صحراهای بی آب و علف غیر مسکون میگردد و خدا میداند آن مقادیرهای هنگفت مواد خام را با چه زحمت و مرارت و جانفشانی بقلل کوههای دو هزار زرعی بالا میرده اند! « از اواسط قرن یازدهم هجری که منچوها در چین تسلط و اقتدار پیدا کرده و سلسله قدیم مینگ را از حکومت انداخته و بسطنت دست یافته اند وجود این دیوار دیگر بیفایده شده است و بدردی نمیخورد. در قدیم الايام مقرر بوده است که صد هزار نفر مستحفظ در بالای این دیوار کشیک میکشیده اند ولی از وقتیکه خود منچوها سر کار آمده اند دیگر لزومی بمستحفظ نمانده است.

شرکت نفت انگلیس و ایران

روزنامه «تیس» مورخه ۸ ربیع الاول ۱۳۳۸ (غره دسامبر ۱۹۱۹ میلادی) مقاله مفصلی در خصوص عملیات شرکت نفت انگلیس و ایران

(۱) شماره ۲۷ و ۳۰

Chéops (۳)

Gobi (۲)

Ernst von Hesse-Wartegg (۱)

زیادی داشت. بعد از دخول دوره ماشین و تأسیس کارخانجات صنایع دستی کم کم از شهرها بطرف قصبه‌ها و دهات کشیده شد و بواسطه اینکه دهاتیان اکثر حواجی زندگی خودشان را خود حاضر میکنند لهذا صنایع دستی در آنجاها مستمر و برقرار گردید. بعد از اختراع و رواج ماشین بازار پاره‌ای از صنایع خانگی از قبیل منسوجات و غیره روبکسادی گذاشت. بر واضح است که ماشین در مدت کمی امتعه زیاد حاضر میکند و باین واسطه خیلی ارزان تمام میشود. اما از طرف دیگر راههای جدیدی برای صنایع دستی پیدا شد مانند اقسام مختلفه سبده‌بافی و زنبیل‌سازی و غیره. در سال ۱۳۱۳ هجری عده کارگران خانگی در آلمان مقدار یک کرور نفر بود که حالا نیز همان مقدارها موجود است. پس از این قرار نمیشود گفت که اختراع ماشین صنایع خانگی را از میان برداشته است. در اکثر شهرهای بزرگ آلمان صنایع خانگی فراوان است و قسمت اعظم کارگران را زنان تشکیل میدهند. تمام اطراف کوههای وسطی آلمان مرکز صنایع خانگی میباشد.

در هیرشبرگ (۱) بلور و شیشه میسازند. در لاوزیتسبرگ (۲) پارچه میسازند و لباسهای حاضر درست میکنند. در اطراف ارنس‌گریگه (۳) اسباب بازی اطفال درست میکنند. در شهر آنابرگ (۴) انواع اقسام علاقه بندی حاضر میشود. در پلاون (۵) قلاب دوزی و زر دوزی درست میشود. در محوطه کلینگن‌تال - اولزنیس (۶) اسباب و آلات موسیقی درست میشود. در تورینگن (۷) آلات فلزی و افزار آهنی درست میشود. در شهر آپولدا (۸) جوراب میسازند در فیختل‌گریگه (۹) پارچه میسازند. در آشافنبورگ (۱۰) و در فرانکفورت (۱۱) لباس حاضر درست میکنند. در اودن‌والد (۱۲) کیف و جزوه‌کش و سایر امتعه چرمی حاضر میکنند.

صنایع چینی سازی و بلورسازی

در آلمان از خاک چینی اعلا گرفته تا خاک سفال و آجر انواع خاک زیاد و فراوان است. در ایالت براندنبورگ (۱۳) چندین کارخانه آجرسازی موجود است. در سال ۱۳۱۵ هجری در ممالک آلمان ۱۵۰۶۶۳ کارخانه آجر سازی موجود بوده است که ۲۱۹۰۸۶۰ نفر عمله در آن کارخانجات کار میکردند.

در سال مزبور در آلمان ۱۹۰ باب کارخانه چینی سازی موجود بوده است. قدیم‌ترین کارخانه چینی سازی در اروپا کارخانه ایست که در شهر مایسن (۱۴) که در ایالت ساکس واقع است بنا شده است (در سال ۱۱۲۲ هجری). معتبرترین کارخانجات چینی سازی آلمان در تورینگن و در والدنبورگ (۱۵) است. کارخانجات بلور سازی آلمان نیز معروف آفاق است. در سال ۱۳۱۳ هجری در ممالک آلمان ۳۷۱ کارخانه بلور سازی

Erzgebirge (۳)	Lausitzer Berge (۲)	Hirschberg (۱)
Klingenthal-Osnitz (۶)	Plauen (۵)	Annaberg (۴)
Aschaffenburg (۱۰)	Fichtelgebirge (۹)	Apolda (۸)
Brandenburg (۱۲)	Odenwald (۱۲)	Frankfurt a. M. (۱۱)
	Waldenburg (۱۵)	Meißen (۱۴)

ترتیب این مدارس بکلی مختلف است چنانکه بعضی از آنها مدارس ابتدائی و پاره دیگر مدارس عالی و بعض دیگر مدرسی هستند که فقط روزهای یک شنبه باز و تدریس میشود و نیز عده‌ای از آن مدارس شبانگه است. در آمریکای شمالی پنج باب دار المعلمین آلمانی موجود است. غیر از اینها که ذکر شد در آمریکای شمالی ۵۰۰۰ باب مدرسه موجود است که در تمام آن مدارس زبان آلمانی تحصیل میشود و در مجموع آن ۵۰۰۰ مدارس تخمیناً ۶۰۰،۰۰۰ نفر زبان آلمانی یاد میگیرند. انگلیسیها و فرانسه‌ها و روسها و بسیاری از ملل دیگر تحصیل زبان آلمانی را در مدارس متوسطه و عالی خود اجباری قرار داده‌اند و حتی زاپونیا و چینیا در دار العلمهای پایتخت خود زبان آلمانی یاد میگیرند و در دورترین نقاط آمریکای جنوبی بسیاری از سکنه بزبان آلمانی حرف میزنند.

دولت آلمان برای مدارس که در خارج مملکت آلمان تأسیس شده و در آن مدارس زبان آلمانی تحصیل میشود هر ساله مبلغ ۳۰۰،۰۰۰ مارک میدهد.

صنایع و امتعه آلمان

ممالک وسطی اروپا عموماً و مملکت آلمان خصوصاً از یک قرن با اینطرف در تمام شعب علوم و صنایع ترقی شایان نموده است. بواسطه دخول دوره سرمایه داری که در حیات ملل یک طبقه جدیدی بعمل آورده است صنایع آلمان بطور سریع پیش رفت کرده است. جنگهای ناپلیون وضع تشکیلات تجاری ملل را تغییر عمده داد و ترتیب انحصار صنایع یک طبقه‌ای که تا آنوقت جاری بود از اساس برکنده شد. هرکسی آزاد گردید که ر وفق میل طبیعی خود هر صنعتی که دلش میخواهد یاد بگیرد. هر شعبه‌ای از صنایع برای خود یک مرکزی میجست که در آن دایره ترقی نماید. سهولت و وفور روابط حمل و نقل از قبیل راه آهن و کشتی در سرعت ترقی صنایع تأثیر زیادی داشت. چه بواسطه سهولت و کثرت وسایل مختلفه حمل و نقل امتعه تجارت بنقطه مقصود زودتر رسیده و ارزانتر تمام میشود. وسعت دایره کشتی رانی در ترقی نمودن امتعه مخصوصاً تأثیر زیادی داشت که در ظرف اندک مدتی امتعه تجارتی را با طراف دنیا میرساند.

در قرن اخیر وضع اداره و تشکیلات حکومتیهای اروپا نیز تغییر پیدا کرد. هر دولتی خود را موظف دانست که در امور تجارت بملت خود سرپرستی کند و در طریق تحصیل حواجی آنها هادی باشد. چون انحصار صنایع برداشته و منسوخ گردید دوره رقابت یعنی مسابقه همکاران و همجسمی کارگران شروع گردید.

در مدت جریان بیست سال اخیر صنایع آلمان بطور عموم ترقی زیاد نموده است چنانکه آن مملکت یکی از اولین ممالک صنعتی اروپا و در صف اول شمرده میشود.

در اوایل قرن گذشته که عده کارخانجات معدود بود و ماشین هنوز ترقی زیاد نکرده بود در آلمان صنایع دستی و صنایع خانگی رواج

در آلمان معادن نمک نیز زیاد است و عمده آن معادن در ایالت ساکس است. در سال ۱۳۱۸ مقدار ۴۰۵۲۲،۳۰۸ تن نمک و ۹۸۵،۰۰۰ تن نمک سنگ استخراج شده است. نمک آلمان بیشتر بممالک هندوستان و هلاند و بلژیک و اتریش حمل میشود.

در راه مصر

از قرار خبری که چندی قبل در جراید آلمان انتشار یافت دولت ایران ورود عده‌ای از آلمانیهارا بحداک ایران تا ده سال غدغن کرده و بمأمورین سرحدات ایران در این باب حکم صادر شده است که از ورود اشخاص مزبور جلوگیری نمایند. این خبر در آلمان باعث خیلی دلگیری و رنجش گردید و جراید آلمان بسیار اظهار تأثر و تحیر از این حرکت دولت بیطرفی مانند ایران کردند که در همه مدت جنگ عالمگیر که کمتر دولتی از دول کوچک و ضعیف توانستند بیطرفی خود را در مقابل فشار و اجبار دول متفقہ نگاهداشته و مجبور باشنرک در جنگ نگردند و حتی یونان در اروپا و سیام و چین در آسیا نیز بر خلاف اراده و استقلال خود مانند باجگذاران اجبار بدخول در جنگ شدند دولت ایران کشتی استقلال رأی خود را تا آخر از این موج کنار برد حالا چگونه میشود که همان دولت بر خلاف بیطرفی و روابط ودادیه میان دو دولت و هم بر خلاف مقتضای مواد عهدنامه آلمان و ایران اقدام باین کار کند و مخصوصاً مواد ۵ و ۶ عهدنامه مزبور منعقدہ بتاريخ ۱۵ ربیع الثانی ۱۲۹۰ (۱۱ ژوئن ۱۸۷۳ میلادی) را نیز درج کردند که متضمن آزادی مسافرت اتباع طرفین در ممالک همدیگر است.

ابتدا این خبر بنظر عجیب و دور از تصدیق میآمد لکن طولی نکشید که خبر تأیید شد و معلوم گردید که واقعا دولت ایران در زیر فشار خارجی خود را مجبور دیده که فهرست اسامی را که باو داده شده بسرحدات فرستاده و حکم منع ورود صاحبان آن اسامی را بدهد. چندی بعد صورت اسامی مزبور باین مملکت رسیده و معلوم شد که شامل اسامی ۱۰۴ نفر است که از آن جمله ۷۴ نفر آلمانی و ۱۰ نفر اتریشی و ۱۳ نفر سوئدی و ۵ نفر سویسی و یک نفر عثمانی و یک نفر هم مجهول الهویه است و اگرچه عنوان مسئله راجع باشخصی بوده که در مدت جنگ در ایران بوده و مداخله بر خلاف بیطرفی ایران در تحریکات و اغتشاشات بر ضد دول متفقہ کرده اند لکن در فهرست مزبور اسامی اشخاصی هم دیده میشود که اصلاً در مدت جنگ بایران قدم نداشتند و مشغول امور ایران نبوده‌اند مانند هاینکه (۱) تاجر در شیراز که در سنه ۱۳۳۱ از ایران بیرون آمده است و دیگر برنگشته و فقط چون موقعی بدست آمده که ریشه تجارت حریف را از ایران بکنند طرداً للباب اسم او و بعضی دیگر از این قبیل را نیز داخل کرده‌اند و همچنین اسم کونت کانتیس (۲) متوفی در فهرست هست که این حکم در باره او اصلاً موضوع ندارد و همچنین بعضی دیگر که تماماً بر خلاف عنوان مذکور سعی داشته‌اند که از

موجود بوده است که تخمیناً ۴۱۰۰۰ عمله در آن کارخانها کار میکرده است. اکثر کارخانهای بلور سازی آلمان در شلزلین و در براندنبورگ و در ساکس و در تورینگن است. در سال ۱۳۱۵ در ممالک آلمان ۵۲۵،۰۰۰ تن (تقریباً ۱۰۷۵۰،۰۰۰ خروار) بلور ساخته شده است که ۱۱۵ میلیون مارک ارزش داشته است. در برلن در مایسن و در بامبرگ (۱) چینیهای رنگارنگ بسیار ظریف درست میکنند. در سال ۱۳۱۵ در آلمان ۷۸،۸۷۸ تن (تقریباً ۲۶۳،۰۰۰ خروار) چینی ساخته شده است که بالغ بر ۵۲ میلیون مارک ارزش داشته است.

استخراج معادن در آلمان

در خاک آلمان معادن زغال سنگ و معادن آهن و سایر فلزات از قبیل مس و سرب و نیکل زیاد است و هر سال استخراج آنها آسان تر و زیادتر میشود. معادن طلا و بالخصوص معادن تهره و روی نیز فراوان است. در سال ۱۳۱۹ هجری ۲،۷۷۵ کیلو گرام (تقریباً ۹۲۵ من تبریز) طلا استخراج شده است که بالغ بر پانزده کروور مارک قیمت داشته است. و در همان سال مزبور ۴۰۳،۷۹۶ کیلو گرام (تقریباً ۱،۳۵۰ خروار) تهره استخراج شده است که شصت و پنج کروور مارک قیمت داشته است. بیشتر از نصف این تهره از ممالک پروسی (۲) بدست آمده است. معادن مس نیز زیاد است و عمده ترین آن معادن در شهر مانسفلد (۳) و در اطراف شهر آرنسبرگ (۴) واقع است. در شهرهای آخن (۵) اوپلن (۶) آرمسبرگ (۷) و در ویسبادن (۸) معادن سرب زیاد موجود است. معادن نیکل در مملکت ساکس (۹) و در ایالت راین (۱۰) است. در تورینگن معادن آنتیمون زیاد است. قسمت عمده معادن آهن آلمان در اطراف شلزلین (۱۱) و در رن سفلی (۱۲) و در ساکس موجود است. از جمله معادن بسیار مهم آلمان معادن زغال سنگ است. بر حسب احصائیه سال ۱۳۱۹ هجری در ممالک آلمان ۱۰۸،۵۳۹،۴۴۴ تن (قریب ۳۲۶ میلیون خروار) زغال سنگ استخراج شده است که ۱،۰۱۵ میلیون مارک قیمت داشته است. از این مقدار زغال سنگ ۱۵،۲۶۶،۶۲ تن بخارج حمل شده است و در سال مزبور آنچه از خارج زغال سنگ داخل خاک آلمان شده است ۶،۲۹۷،۲۶۷ تن بوده است. پس از این قرار آنچه در عرض یک سال در مملکت آلمان زغال سنگ صرف شده است ۹۹،۵۷۰،۵۶۶ تن بوده است که برای هرکسی در عرض یک سال ۱،۷۶۶ کیلو گرام (تقریباً ۵۸۹ من تبریز) زغال سنگ میرسد.

آنچه از خارج زغال سنگ داخل آلمان میشود قسمت عمده آن از انگلیس میآید. آنچه از آلمان صادر میشود بیشتر بممالک اتریش و مجارستان و هلاند و بلژیک و فرانسه و سویس و روسیه حمل میشود.

Arnsberg (۴)	Mansfeld (۳)	Preußen (۲)	Bamberg (۱)
Wiesbaden (۸)	Armsberg (۷)	Oppeln (۶)	Aachen (۵)
Niederrhein (۱۲)	Schlesien (۱۱)	Rheinland (۱۰)	Sachsen (۹)

پیش از شروع بذکر آنچه از حال یا آثار او معلوم است باید بگوئیم که مناسبت او با شاهنامه آنست که بنا بر روایت کتاب قابوس نامه تألیف عنصر المعالی کیکاوس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر که در سنه ۷۵۰ تصنیف شده ابو المؤید بلخی یک شاهنامه ای داشته چنانکه در آن کتاب عنصر المعالی در خطاب پسرش گیلانشاه گوید «جَدَّتْ مَلِكِ شَمْسِ الْمَعَالِي قَابُوسُ بْنُ وَشْمِغِيرَ بْنِ نِيرَةَ ارغش فرهادوند^(۱) است. و ارغش فرهادوند مَلِكِ گیلان بوده بروزگار کیخسرو و ابو المؤید بلخی ذکر او در شاهنامه آورده»^(۲). در تاریخ طبرستان تألیف محمد بن حسن بن اسفندیار که در سنه ۶۱۳ نوشته شده نیز ذکر از یک شاهنامه ای شده که باغلب احتمال اشاره بهمین شاهنامه ابو المؤید بلخی شاعر است چنانکه در آن کتاب گوید «و چنانکه در شاهنامه های منظوم و مشهور فردوسی و مؤیدی شرح داده شده منوچهر انتقام جد خود ایرج را گرفت پیش از آنکه فردون از این دنیا رحلت کند»^(۳). از این جمله استنباط میشود که شاهنامه مزبور تر بوده و اگر در کتبه یک شاعر بلخی هم که شاهنامه داشته و در کتاب الآثار الباقیه تألیف ابو ریحان بیرونی ذکر آن شده عبارت «وَ قَدْ ذَكَرَ أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْبَلْخِي الشَّاعِرِ فِي الشَّاهِنَامَةِ هَذَا الْحَدِيثَ فِي بَدْوِ الْإِنْسَانِ عَلِيٍّ غَيْرَ مَا حَكَيْتَاهُ»^(۴) نیز فرض سهو استنساخ بتوانیم بکنیم شاید بتوان گفت که آن فقره نیز اشاره بهمین شاهنامه ابو المؤید است که در نسخه های که مأخذ نسخه چاپی الآثار الباقیه بوده بکتبه ابو علی ضبط شده بوده است. ولی این احتمال را فعلاً بواسطه نبودن واسطه تحقیق دیگر باید کنار گذاشت و دو مأخذ سابق الذکر کافی است برای آنکه میان اسم ابو المؤید و شاهنامه و بالتبع میان او و فردوسی مناسبتی اثبات کرد.

یک مناسبت دیگر هم میان ابو المؤید و فردوسی هست و آن این است که پیش از آنکه فردوسی قصه یوسف و زلیخارا بنظم بیاورد ابو

تحریرات برخلاف بیطرفی ایران جلوگیری کنند و بهیچ وجه از جاده صحّت عمل خارج نشده و اشتراک در آن اعمال نکرده اند مانند آقای لیتن که کارپرداز آلمان در تبریز بود و از قرار معلوم همیشه سعی داشته است بیطرفی ایران کاملاً محفوظ باشد.

این خبر تأسف انگیز اسباب کدورت روابط دو دولت گردیده و در آلمان صدای اعتراض شدید خیلی بلند شد و هنوز هم این فقره ماده دائمی برای تکذّر است. این کار که یقیناً بر خلاف میل قلبی اولیای استقلال دولت ایران شده برای ایرانیانی که در خاک آلمان زندگی میکنند و مخصوصاً آنان که در بدو انتشار قرارداد انگلیس و ایران که این ظهورات همه فرع آن اصل است در جراید رسماً اعتراض کردند بسی ناگوار و موجب تأسف است بزای آنکه این فقره بر خلاف آزادی ایران بوده و می نمایاند که چنانکه نویسندگان انگلیسی در این اواخر در باره قرار داد انگلیس و ایران می گفتند که خوبی و بدی مثال آن بسته بشکل اجرای آن و در واقع بتأویل و تفسیر عملی آن قرارداد است عملاً در اولین قدم تفسیر بسیار نظر زننده و دارای علامت بدی از قرارداد شده و مملکت مالنگ لنگان و بتدریج راه مصر را پیش گرفته است و دوره سالهای اول «احتلال انگلیسی» را بخاطر می آورد که در لندن نطقها دایر بر خلوص نیت انگلیس در باب مصر متوالیاً تکرار و در مصر بتدریج در تقلیل و ازاله علائم حاکمیت عثمانی کوشیده میشد. ما گمان میکنیم هر ایرانی که مقام بین المللی خود را میل ندارد از دست بدهد خواه دوست آلمان بوده و خواه حسنیات دیگری داشته باشد بر خلاف این اقدام اعتراض خواهد نمود.

مشاهیر شعرای ایران

(۲)

در شماره گذشته در زیر عنوان فوق شرحی راجع فردوسی و تاریخ زندگی او و شاهنامه بنقل و ترجمه از کتاب «تاریخ ادبی ایران» تألیف استاد ادوارد براون درج کردیم و در نظر بود که در این شماره نیز یک مقاله دیگری راجع بشمه ای از تبعات و تدقیقات مهم علمای دیگر در همان باب و آنچه خود توانستیم تحقیق کنیم محض تکمیل فایده و جامعیت این فصل بر آن علاوه کنیم لکن چون مقاله مزبور قدری مطول است و گنجایش این شماره بواسطه مطالب دیگر کمتر است لهذا چنان بنظر رسید که در این شماره مختصری راجع بیک شاعر قدیم دیگر ذکر نمائیم که اگر چه از مشاهیرش نتوان شمرد لکن بواسطه مناسبتی که بموضوع شاهنامه دارد و برای روشن کردن قسمتی از مطالب مقاله شاهنامه که در شماره آینده درج خواهد شد شرح راجع باو از مقدمات مفیده تواند شد شرح مزبور را در زیر همین عنوان درج میکنیم:

شاعر مشار الیه ابو المؤید بلخی است که از قدمای شعرای فارسی و معاصر سلاطین سامانی بوده و از شعرای آن سلسله محسوب میشود.

(۱) این اسم در کتب دیگر با ملایهای دیگر آمده و گویا صحیح ترین آنها «آغش و هادان» یا «آرغش و هادان» است. اولی املاتی است که در مجمل التواریخ [بنقل دخویه و یوستی از آن] ضبط شده و دومی در تاریخ طبرستان و رویان و مازندران تألیف سدید ظهیر الدین مرعشی آمده. بقول مجمل التواریخ آغش عموزاده آشاورزان پسر آشاکید است (و هادان و آشاکید برادر بوده اند). تاریخ طبری آغش بن بهدان (یا بهدازان) ضبط میکند و گوید که مادر او زنی بود موسوم به شوماهان که کبیرک سیاوش (سیاوش) بود و اسم آغش را جزو سرداران می آورد که با کیخسرو بجنگ افراسیاب می رفتند (شاید آغش معرب آغج باشد). در یک کتاب خطی دیگر که در سنه ۵۴۳ تألیف شده اسم پدر را بهرازان ضبط کرده. در روضة الصفا و هفت اقلیم امین احمد رازی ارغش نوشته شده و عجب آنکه در ترجمه ترکی قابوس نامه [که قطعه ای از آنرا دارن چاپ کرده] در موقع ترجمه عین عبارت مزبور در متن آغش و هادان ثبت شده و از این معلوم میشود که در نسخه فارسی «قابوس نامه» که مترجم در دست داشته چنین بوده است. شاید مقصود از آرش نیز که در شاهنامه فردوسی اسمش در جزو سرداران کیخسرو در جنگ با افراسیاب ذکر شده همین شخص بوده باشد و همین اسم [آرش] در جاهای دیگر بان طبرستانی نیز داده شده که از رویان تا خراسان در زمان منوچهر تیر انداخت.

(۲) بنقل میرزا محمد خان قزوینی از قابوسنامه در مقدمه کتاب مرزبان نامه.

(۳) نقل از ترجمه تلخیصی ادوارد برون بانگلیسی ص. ۱۸.

(۴) الآثار الباقیه ص. ۹۹.

المؤید بلخی این کار را کرده بوده و او (یعنی ابو المؤید) اول شاعر فارسی زبان است که این قصه را نظم کرده و پس از وی نیز شاعری دیگر موسوم به بختیاری اهوازی (۱) بوده که دست باین کار زده و فردوسی سومین شاعر است که این قصه مذهبی را برشته نظم کشیده چنانکه خود فردوسی در مقدمه یوسف و زلیخا چنین گوید:

«مر این قصه را پارسی کرده اند
باندازه دانش و طبع خویش
دو شاعر که این قصه را گفته اند
یکی بو المؤید که از بلخ بود
نخست او بدین در سخن بافتست
پس از وی سخن باف این داستان
نهاده و را بختیاری لقب
پساره بر مهتران بر شدی
چنان دان که بکره قتاد اتفاق
.....
بدو در معانی بگسترده اند
نه کمتر از آن گفته اند و نه بیش
بهر جای معروف و نهفته اند
بدانش همی خویشان را ستود
بگفتست چون بانگ دریافتست
یکی مرد بد خوب روی و جوان
گشادی بر اشعار هر جای لب
بخواندی ثنا و عطا بستدی
باهواز شد نزد میر عراق
..... (۲)»

الدوله را درک کرده باشد اگرچه نیز ممکن است اواخر حکومت عزالدوله را درک کرده و تخلص خود را نسبت باو داده باشد و چون خود فردوسی هم از این قرار (یعنی بمقتضای نظم قصه برای موفق وزیر) قصه مذکور را باید پیش از سنه ۳۹۰ که تاریخ گرفتاری و حبس موفق بود (که منجر بقتل او در سنه ۳۹۴ گردید) نظم کرده است (۱). و حتی شاید چندی سال پیش از آن تاریخ باین کار دست زده زیرا که منظور آن بوده که موفق آنرا پیش وزیر پادشاه برود و از این معلوم میشود که هنوز موفق وزیر نبوده یا بهر حال بالاتر از او و مقدم بر او نیز وزیری دیگر بوده است چنانکه فردوسی از قول موفق مزبور گوید: برم نزد دستور میر عراق که گردانش خیلند و ایران وشاق..... الح (۲). لهذا فرق زمان میان تاریخ نظم یوسف و زلیخای فردوسی و نظم بختیاری مدت زیادی نمیشود (۳).

از لباب الألباب عوفی که در اوایل قرن هفتم تألیف شده نیز میدانیم که ابو المؤید بلخی از شعرای عهد سامانیان بوده و اسم او در آن کتاب در جزو شعرای آن عهد آمده (۴). بدین قرار: «ابوالمؤید بلخی - بناء معانی بدین مؤید میشد بود و باز و همای معنی در دام بیان او مقید در صفت انگشت معشوقه گوید:

انگشت را ز خون دل من زنده خضاب کفی کرو بلای تن و جای هر کس است
عقاب سیم اگر نبودمان روا بود عقاب بر سینه سبینه او بس است
در مجمع الفصحا تألیف رضا قلی خان هدایت (۵) نیز شرحی در باره ابو المؤید درج است بدین قرار: «ابو المؤید بلخی از حکما و شعرای زمان

از این تفصیل استنباط میشود که ابو المؤید بلخی قبل از بختیاری بوده و اگر حدس ریو (۳) در باب اینکه بختیاری مزبور از شعرای دربار عزالدین بختیار دیلمی از آل بویه (از سنه ۳۵۶ تا ۳۶۷ سلطنت داشته) بوده است صحیح باشد پس ابو المؤید مدتی پیش از آن باید زندگی کرده باشد لکن از خود مقدمه یوسف و زلیخای فردوسی صریحاً معلوم میشود که «امیر عراق» که بختیاری را مأمور نظم قصه یوسف و زلیخا کرد در زمان نظم فردوسی نیز هنوز زنده و پادشاه بوده است چنانکه فردوسی در باره وی گوید:

«خداوند فرخ امیر عراق که تختش سپهر ست و اسبش براق
.....
که بختش همایون و فیروز باد شبن تا قیامت همه روز باد (۴)»

و امیر مشار الیه همانا بهاء الدوله بن عضد الدوله دیلمی باید باشد که از سنه ۳۷۹ تا ۴۰۳ سلطنت کرده و از سنه ۳۸۰ بعد اغلب (اگر چه نه مستمراً) اهواز را در قلمرو خود داشت. فردوسی خود نیز ظاهراً قصه یوسف و زلیخا را بخواهش وزیر او موفق (که ظاهراً همان ابو علی [حسن بن محمد] بن اسماعیل موفق اسکافی است) تألیف کرده چنانکه گوید

«شنیدم من آن داستان (۵) سر بر سر
قضارا یکی روز اخبار آن
بزدیک تاج زمانه اجل
ز من این حکایت بواجب شنید
مرا گفتم خواهم که اکنون تو نیز
هم از بهر این قصه ساز آوری
.....
ز نیک و بدش آگهم در بدر
همی راندمش بی غرض بر زبان
موفق سپهر وفا و محل
پس آنکه سوی من یکی بگرید
بیاشی بگفتار و شغلی بنیز
ز هر گوشه معنی فراز آوری
..... (۶)»

و چون فردوسی صریحاً میگوید که بختیاری جوان بود و قبکه بنظم قصه مأمور شد بعید است که از عهد عزالدوله مانده و زمان بهاء

(۱) همه این استنباطات مبنی بر آنست که آن قسمت از مقدمه یوسف و زلیخای فردوسی که راجع بسبب تألیف کتاب است و ذکر از ابو المؤید بلخی و بختیاری و نظم آنها قصه یوسف و زلیخارا و اسم موفق و امیر عراق در آن آمده و آن قسمت فقط در یک نسخه که در موزه بریطانی محفوظ است موجود و در سایر نسخهها که معروف است تماماً مفقود است اصلی و صحیح فرض شود. و اگرچه این قسمت که در چاپ آه از بیت ۱۶۷ تا ۲۴۳ است در نسخههای دیگر که مبنای چاپ آه و ظاهراً در شش نسخه‌ای که مبنای چاپ طهران بوده موجود نبوده لکن سیاق مطلب طوری است که احتمال وضع و جعل در آن بسیار بعید است.

(۲) بیت ۲۲۷ از چاپ آه.

(۳) این مطلب که فردوسی شاهنامه را در سالهای اول سلطنت بهاء الدوله تألیف کرده باشد منافی با آن نیست که در دیباچه همان قصه از نظم سابق خودش داستان ملوک ایران را حرف میزند و گوید:

من از هر دری گفته دارم بسی شنیدند گفتار من هر کسی
.....
(بیت ۲۵۱ و مابعد از چاپ آه)

زیرا چنانکه از نسخه‌های مختلفه شاهنامه و ترجمه عربی آن کتاب معلوم میشود فردوسی نسخه اول شاهنامه را در سنه ۳۸۴ تمام کرده بوده است و همچنین از «میر عراق» که در اهواز بود عبارت «مر اورا خرد پیر و دولت جوان» سخن میراند و چون بنظر یاوریم که بهاء الدوله در سنه ۳۶۰ متولد شده و سنه ۳۷۹ سلطنت رسیده میتوانیم تصور کنیم که جوانی دولتش بچه عهد تصادف میکند. یک نکته دیگر نیز آن است که در دو جا فردوسی «امیر عراق» مزبور را شهشاه میخواند و بهاء الدوله هم همین خطاب مخاطب میشد.

(۴) لباب الألباب (ص. ۲۶). (۵) چاپ طهران (ص. ۸۱).

(۱) اهوازی بودنش بدست نیست فقط دکتر آه او را اهوازی مینامد.
(۲) بیت ۱۶۷ - ۱۷۵ از چاپ آه.
(۳) Rieu (۴) بیت ۱۷۷ و ۱۸۰ از چاپ آه. (۵) یعنی داستان یوسف و زلیخای بختیاری. (۶) بیت ۲۱۶ - ۲۲۱ از چاپ آه.

۶- در لغت نلک: نلک چیزی باشد گرد و سرخ و زرد نیز بود
وترش بوذ و آوی کوهی گویندش بو المؤید گفت

صفرای مرا سود ندارد نلکا

درد سرمن کجا شناسد علکا

سوگند خورم بهرج هستم ملکا

کر عشق تو بگذاختم چون کلکا

۷- در لغت ملک: ملک دانه‌ایست چون ماش و از عس مه باشد
گروهی کلوش خوانند بو المؤید گفت

بسا کسا که ندیم حریره و بره است

و بس کسست که سیری نیابد [از] ملکی.

در فرهنگ شعوری نیز در لغت «زاج» این شعر از بوالمؤید
منقول است:

دلیری که ترسد ز بیکار شیر

زن زاج خوانش نه مرد دلیر.

در باب تاریخ زمان حیات ابوالمؤید بصحت و دقت نمیشود چیزی
گفت و فقط مأخذی که برای تعیین تاریخ تقریبی او در دست است بودن
اوست از شعرای عهد سامانی (سلطنت از ۲۹۵ تا ۳۸۹) و قدمش

بر فردوسی و بختیاری است و علاوه بر اینها اگر حدس اینکه شاید مشار
اله یکی از مؤلفین شاهنامه منثوری بوده که برای ابو منصور بن عبد
الرزاق طوسی تألیف شده (وظاهرأ همه جا مراد از شاهنامه بطور مطلق
آن بوده) صحیح باشد [چنانکه در مقاله راجع بشاهنامه تفصیلاً ذکر
خواهد شد] در این صورت میشود زمان او را در اواخر نصف اول
قرن چهارم هجری گذاشت. یک نکته دیگر نیز شاید قرینه و مؤید
کشف مطلب بشود و آن شعر شماره (۶) است از اشعار مندرجه در لغت
اسدی طوسی که رباعی است و رباعی بقول بعضی از عروضین از زمان
رودکی باین طرف رایج شده و پیش از آن نبوده پس ابوالمؤید بعد
از رودکی متوفی در سنه ۳۲۹ منریسته است.

آنچه در باره این شاعر و اشعار او گفته شد البته منبئ بر یک تتبع
ناقصی است که فعلاً امکان داشت و اگر تذکره‌های احوال شعرا و جنگها و
کتب لغت فارسی که شواهد دارند استقراء و استقصاء شود شاید هم مبانی
از اشعار او وهم بواسطه دقت در مضامین آنها قراینی برای احیای تاریخ
حیات او بدست آید.

اوضاع ایران^(۱)

§§ دولت ایران دخول خود را رسماً بمجمع اتحاد ملل اظهار داشته
و شاهزاده فیروز میرزا وزیر امور خارجه که در لندن بود در تاریخ

(۱) قسمت زیادی از این اخبار علاوه بر جراید فارسی طهران از ورقة اخبار
آلمان منوسوم به «اطلاعات انجمن آلمان و ایران» اقتباس شده است.

دولت سامانیه است باحکیم ابو المثل بخاری معاصر بوده است همانا رونقی
مخلص میکرده از اشعارش چیزی در میان نمانده است از اوست:

جانست تیغ شاه که دید اینچنین شکفت جان کر او بود تن و جان همه خراب
لرزان بجای کوه در جرم او پدید جانهای دشمنانش چو ذره در آفتاب
ایضاً له:

نیدی که شناسی از آفتاب چو با آفتابش کنی مقترن
چنان تا بد از جام گویی که هست عقیق بمن در سهیل بمن

در لغت فرس تألیف اسدی طوسی که ظاهراً کمی بعد از سنه ۴۰۸
تألیف شده است (۱) نیز در مقام استشهاد برای معانی لغت فارسی
در هفت موقع ذکر از اشعار ابوالمؤید شده و همه جا بطور
مطلق باسم بوالمؤید ذکر شده بدون اضافه صفت بلخی و بدین
جهت شاید بطور قطع نتوان گفت که اشعار مزبور از ابوالمؤید بلخی
است (نه ابوالمؤید رونقی بخاری^(۲)) ولی چون در استشهاد یکی از
همان لغات در فرهنگ جهانگیری همان شعر عیناً باسم ابوالمؤید بلخی
ثبت شده لهذا احتمال میشود داد که در حقیقت از همان شاعر
است و اگر یکی از آن اشعار مال او باشد باقی هم از اوست زیرا که در
لغت فرس اسدی همه جا از یک بوالمؤید بطور اطلاق سخن رفته و اگر
مختلف و متمدد بود باصفات دیگر تمیز داده میشود. این است اشعاری
که از بوالمؤید در لغت فرس آمده:

۱- در لغت کالوس: کالوس مردم خربط باشد بوالمؤید گفت

ملول مردم کالوس وی محل باشد

مکن نگارا این خو و طبع را بگدار

۲- در لغت سدکیس: سدکیس قوس قرح باشد بوالمؤید گفت

میغ ماننده پنبه است همی باز نداف

هست سدکیس درونه که درو پنبه زنند

۳- در لغت بش: بش آهن پاره تنگ باشد که بر صندوق ودوات و در

زنند و بمسار بدوزند بوالمؤید گفت

از آنوس دری اندرو فراشته بوذ

بجای آهن سیمین همه بش و مسمار

۴- در لغت شکاف: شکاف ابریشم بر کلابه زده بوذ بوالمؤید گفت

شکوفه همچو شکافت و میغ دیبا باف

مه و خورست همانا باغ در صراف

۵- در لغت خنجک: خنجک خاری باشد که بتازی آنرا شیخ خوانند

بوالمؤید گفت

نباشد بس عجب از بختم از عود

شود در دست من مانند خنجک

(۱) طبع پاول هورن — Paul Horn

(۲) اسم این شاعر و مختصر شرح راجع باو هم باز جداگانه در لباب الألباب
مستور است. محم الفصحا رونق را مخلص همان ابوالمؤید بلخی میدانند.

§§ احصائیه وفيات شهر طهران با علت وفات مرتباً در جرايد آن شهر نشر ميشود و از صورت اوقات متعارف چنان استنباط ميشود که مرض غالب و مهلك در طهران ان بیشتر از همه اسهال و حصبه و تب و نوبه است .

§§ بعد از استيلاي انگليس بعراق عرب و اختتام جنگ اوضاع بحالت طبيعي عودت کرده و معلوم است از آن جمله اوضاع تردد زوار بمشاهد نیز پس از تعطيل سالهای جنگ راه افتاده است . اين فقره را خدام آن نقاط مثل تفضل دولت تازه فرض کرده و رضایت نامه بمهر همه صاحبمنصبان مختلف الوظائف از کلیددار و زیارت نامه خوان و غیره در مدح و ثنا و سپاسگذاری دولت انگليس تمام کرده و در جرايد نشر کرده اند . از طرف دیگر در ایران چاوشها و نقش کشها معرکه راه انداخته و مردم را تشويق میکنند که پولشانرا بسجله با آنجا برده و بجزانه داری جدید آن ولایت تحویل بدهند و در سال گذشته در موقع عيد اضحی (بنا بروایت جرايد ایران) عده زوار کربلا به ۲۰۰،۰۰۰ نفر بالغ بوده است .

§§ بموجب آنچه جرايد فرانسه خبر داده اند وزیر امور خارجه ایران صورتی از خسارات و ضررها و خرابیها که در اثنای جنگ بواسطه مصادمات از دول محارب بدولت ایران و اتباع او در ایران وارد آمده بسفارت ایران در سویس فرستاده که خلاصه آن از این قرار است :

۱- ۳۰۰،۰۰۰ نفر تلفات . ۲- خسارت مالی بدولت و ادارات عمومی ۴،۲۲۷،۴۰۷ تومان . ۳- خسارات مالی بافرااد اهالی مملکت ۴۳۶ هزار تومان و کسری .

§§ جمع و خرج (بودجه) وزارت امور خارجه ایران برای سنه پيچي ثیل (۱۳۳۸-۱۳۳۹) که تصویب شده معادل ۶۴۱،۱۲۵ تومان بوده است .

§§ واردات و صادرات خزانه ایران اگر میزان برج اسد گذشته را که در جرايد ایران بنظر رسید میزان متوسط قرار داده و مبنای عمل بگیریم در سال به ۹ میلیون تومان عایدات بالغ و مخارج هم به ۱۱ میلیون و نیم در سال میرسد چه واردات و صادرات خزانه داری کل در برج اسد گذشته معادل ۷۸۲،۹۹۷،۳۹۰ تومان عایدات و ۹۵۶،۸۲۴،۳۴۰ تومان مخارج بوده است . در برج سنبله هم عایدات ۳۸۹،۱۸۶،۵۴۵ تومان و مخارج ۹۱۵،۴۷۷،۷ تومان بوده است .

§§ در تجارت ایران از ابتدای جنگ اروپائی باین طرف تغییرات مهمی رخ داده . در سنه ۱۳۳۱ تقسیم صادرات و واردات ایران بممالک مختلفه از این قرار بود: روسیه ۶۳ در صد، بانگلستان ۲۱ در صد و بسایر ممالک ۱۶ در صد . ابتدا بسته شدن تنگه داردنل بود که تجارت را از راه دریای سیاه با ایران قطع کرده و بیشتر بطرف خلیج

۱۳ ربيع الاول ۱۳۳۸ بمشئ کل آن مجمع سیر اریک دروموند (۱) رسماً این مطلب را نوشته و تعهد نموده که ایران تمام تکالیف و وظایفی را که بواسطه آن عهدنامه بر عهده اعضای آن مجمع میافتد کما هو حق حاضر است اجرا نماید . بموجب اخبار جرايد ایران نمایندگان ایران در آن مجمع بر حسب پیشنهاد وزارت خارجه و تصویب رئیس الوزرا از قرار ذیل خواهد بود: میرزا محمد علی خان ذکاء الملک بسمت ریاست ، میرزا محمد علی خان احتشام هایون (که نایب اول سفارت ایران در لندن بود) و عبد العلی خان صدیق السلطنه (وزیر مختار ایران در واشنگتون) بسمت عضویت .

§§ بنا بخر ۱۱ ذی القعدة ۱۳۳۷ نظر بمخواست دولت ایران وزارت عدلیه فرانسه با موافقت و تصویب وزارت خارجه آن دولت یک هیئت اصلاحات عدلیه تشکیل داده که عنقریب بطهران بروند . این هیئت مرکب از ۴ نفر است و در طهران یک مدرسه علم حقوق ایجاد خواهند کرد و علاوه بر این ممیزی و تفتیش دیوانخانه ایران را هم بعهده خواهند گرفت و هم این هیئت با همدستی وزارت عدلیه ایران یک هیئت شورای عدلیه بنا خواهد کرد .

§§ در یک صحبت عمومی که در ۱۷ ذی الحجه ۱۳۳۸ سرهنگ نابیر (۲) در باب ایران داده چنین گفت: دو خط راه آهن بسرحد ایران رسیده است یکی از کوتا از راه نوشکی تا دوزاب (قصبه ایست در جنوب ملک سیاه کوه) در مشرق و دیگری از بغداد تا خاقین در مغرب . علاوه بر اینها یک راه آهن باریک ۵۲ میلی (۱۴ فرسنگ) از بوشهر تا برازجان کشیده شده و یک راه اتوموبیل رو هم از بوشهر تا شیراز درست شده و بکار افتاده است . این راه از شمال گردنه های کتل دختر و پیره زن میگردد .

§§ در طهران سفیر بلژیک عوض شده و بجای بوزشگراو (۳) که سفیر قدیم بود دریموند (۴) منصوب گردیده است و همچنین لوکنت (۵) سفیر فرانسه هم معزول و بجای وی بون (۶) منصوب گردیده است . بجای کنت اریوانه گزگا (۷) سفیر سابق ایتالی که در پائیز ۱۳۳۷ خودش را کشت سفیر تازه ای منصوب گردیده موسوم به کاتالینی (۸) . سفیر روس اتر (۹) هم بیاریس مسافرت نموده و امور سفارت را قونسول ژنرال تبریز بلایف (۱۰) اداره میکنند . دولت اسپانی هم سفیر خود دورومرو دوسمیت را (۱۱) بدون آنکه جانشینی برای او معین کرده باشد باسپانی خواسته است .

Sir Eric Drumond (۱)

G. F. Napier — مشار الیه در سنه ۱۳۲۱ مأمور نظامی انگلیس در سفارت

طهران بود .

Borchgrave (۳) Le Comte (۵) Draymond (۴)

Bonin (۶) v. Etter (۹) Guiseppe Catalini (۸) Arrivabene Gonzaga (۷)

De Romero-Dusmet (۱۱) Belajeff (۱۰)

تومان و ۳ قران صادرات ایران بانگلیس می‌ماند. پس دولت انگلیس از ایران قریب چهار مایون و صد و هفتاد هزار تومان چیز خریداری کرده و در عوض قریب بیست و نه ملیون و هشتصد هزار تومان (تحقیقی ۲۹،۷۷۷،۸۰۸ تومان و ۲ قران) چیز بایران فروخته یعنی بیشتر از هفت برابر. فعلاً تجارت انگلیس و هند در ایران درجه اول را در میان ممالک خارجه دارد.

سخنی اوضاع اقتصادی روسیه و غدغن خارج کردن متاع از آن مملکت بتجارت روس اثر طبیعی خود را کرده و واردات از روس بایران که در سنه میلادی ۱۹۱۶-۱۹۱۷ به ۲۲،۷۴۱،۳۲۵ تومان و یک قران بالغ شده بود اینک در سال گذشته (یعنی سال میلادی ۱۹۱۷-۱۹۱۸) ۱۰،۷۴۸،۲۲۱ تومان و ۵ قران پائین افتاده است. و اگر این نیز در نظر گرفته شود که از این مبلغ اخیر یک قسمت راجع بترقی قیمت اشیاء (نه زیادی جنس و متاع) و قسمت کئی دیگر معادل ۴۹۱،۰۸۹ تومان و ۲ قران اشیاء و ذخیره جنگی برای قشون روس در ایران و قریب ۸۱۸،۴۹۸ تومان نقره مسکوک برای همین قشون بوده اهمیت نقصان واردات روس در نظر بیشتر میشود و در حقیقت قیمت امته وارده به ۹،۴۳۸،۶۳۴ تومان و ۳ قران میرسد در صورتیکه در سنه میلادی ۱۹۱۳-۱۹۱۴ صادرات روسیه بایران بمبلغ ۳۵،۵۸۸،۸۱۳ تومان و ۸ قران بالغ بود و از این مبلغ ۴۵۱،۸۵۰ تومان قیمت پول نقره بود. پس صادرات روس بایران بصدی ۲۷ پائین افتاده است و عمده در صادرات قند و نخ پنبه‌ای و جای و لباس و توتون نقصان پدید آمده است و برعکس در صادرات کبریت و نفت و آهن و فولاد و کاغذ و حیوانات ترقی حاصل شده است.

صادرات از ایران بروسیه در سنه میلادی ۱۹۱۷-۱۹۱۸ بمبلغ ۱۶،۲۰۷،۶۲۹ تومان و ۳ قران بالغ شده در صورتیکه در سال قبل از آن معادل ۲۹،۹۴۲،۹۱۹ تومان و ۶ قران بوده یعنی صدی ۴۶ کمتر شده. عمده جهت این نقصان غدغن دولت ایران بود اخراج آزوقه و مواد خام را از مملکت و مخصوصاً خارج کردن مال خشکبار و برنج و پنبه و تریاک و پشم و غله و ابریشم و فرش. ولی از آنطرف در صادرات حیوانات زنده و ماهی تازه یا نمکین تراید روی داده چونکه نظامیان روس با وجود غدغن دولت ایران مقدار زیادی از این مالهارا از آذربایجان می‌بردند.

روسیه که پیش از جنگ در میان ممالکی که طرف تجارت با ایران بودند مقام اول را داشت حالا جای خود را بانگلیس داده و فعلاً صادرات انگلیس بایران سه برابر صادرات روس است در حالتیکه پیش از جنگ نصف صادرات روس هم نبود. مصر حالا درجه سوم را در میان ممالکی که با ایران طرف تجارت هستند دارد و عمده بواسطه صادرات کئی قد است از آن مملکت بایران و صادرات نفت از ایران بمصر که در زمان جنگ پیش آمده است.

فارس برگردانید. بعدها اغتشاش روسیه تقریباً بکلی باعث تعطیل تجارت ایران با آن مملکت شد. منسوجات پنبه‌ای و سایر امته‌ای که سابقاً بیشتر از روسیه بایران وارد میشد حالا مقدار کئی آن از هند بطریق ایران بفقاز و ماوراء خزر می‌رود.

بجهت صعوبت مناقلات بری و بحری میان انگلیس و ایران عمده کثیری از تجارتخانهها در بمئی که سابقاً میان انگلیس و ایران مستقیماً تجارت میکرد بسته شده. تجارت ایران در سالهای اخیر با انگلیس و هند بدین قرار بوده است؛

در سال میلادی ۱۹۱۳-۱۹۱۴	در سال میلادی ۱۹۱۷-۱۹۱۸
با انگلیس .. ۱۳،۰۰۰،۰۰۰ تومان	با انگلیس .. ۱۷،۰۰۰،۰۰۰ تومان
با هند ... ۱۰،۴۰۰،۰۰۰ »	با هند ... ۲۵،۳۰۰،۰۰۰ »

معلوم است که پس از راه افتادن کشتی رانی و مناقلات و عودت بحالت طبیعی دوباره توازن طبیعی بعمل خواهد آمد. تجارت با هند دائماً رو بتراید بوده برای آنکه تجارت با آن مملکت از راه خلیج فارس تا اندازه‌ای از تأثیر جنگ آزاد مانده بود. صادرات انگلیس بایران در تمام مدت سال میلادی ۱۹۱۷-۱۹۱۸ بدرجه معتدبه در فرایش بود و مقدار آن در این سال بمبلغ ۳۱،۳۱۳،۶۲۶ تومان و ۶ قران رسید در مقابل ۸،۳۶۲،۱۲۷ تومان و شش قران در سال میلادی ۱۹۱۵-۱۹۱۶. مبلغ ۳،۴۳،۳۰۴ تومان و ۷ قران قیمت اشیائی که از اداره نظامی انگلیس برای قشون آندولت در سواحل خلیج فارس فرستاده شده نیز در حساب سال مزبور داخل است. تراید واردات از هند عمده در امته پنبه‌ای و پشمی، قند (بیشتر از هونگ کونگ)، اسباب آهنی، برنج، آرد، غله، نیل است. بثبوت رسیده که این امته که در سالنامه احصائیه گمرکی ایران بعنوان امته هند انگلیسی ثبت شده اصلاً امته ژاپونی هستند که بهند رفته و از آنجا بایران فرستاده شده است. بدو نکته نیز اشاره لازم است یکی آنکه این زیادی مبلغ واردات بایران را نباید فقط از زیادی امته وارده دانست بلکه ترقی قیمت و گرانی اشیاء نیز در بزرگی مبلغ خیلی دخیل است. دوم آنکه یک مقدار کئی از واردات از سیستان خود ایران از راه هند بایران صادر شده یعنی دور زده و برگشته است.

در سال پیش از جنگ (یعنی سال میلادی ۱۹۱۳-۱۹۱۴) مجموع واردات از انگلیس بایران به ۱۷،۷۹۵،۴۶۰ تومان و ۸ قران بالغ شده بود. حالا این مبلغ مضاعف شده و اینک واردات از انگلیس صدی ۶۳ از مجموع واردات ایران را تشکیل میکند و در این باب انگلیس مقامی را که سابق روس در ایران داشت صاحب شده است. واردات از انگلیس بایران بیشتر از صادرات ایران بآن مملکت است. در سال آخری این فرق صادرات و واردات کمتر شده ولی اگر قیمت نفت را که از معدنهای ایران خود انگلیسها اخراج و صادر میکنند و قیمت نقره‌ای را که می‌برند از مجموع صادرات ایران بانگلیس تفریق کنید فقط ۴،۹۷۴،۶۲۸

تجارنخانه‌های معتبر که با در شماره‌های آینده اسم و عنوان آنها را اعلان خواهیم کرد داده و فقط قبضی از وصول وجه گرفته و آن قبض را با داره ما بفرستند که در آن صورت مستقیماً تا یک سال روزنامه با آنها خواهد رسید و محض اطمینان خاطر عامه منظور است که وجوه جمع آوری شده نزد همان تجارنخانه که پول را میگیرد تا شش ماه از سال بماند که بر فرض وقوع حادثه‌ای که موجب تزلزل روزنامه بشود وجوه اشتراک بصاحبان آنها مسترد گردد.

مراعات این ترتیب کمکی است بيشرفت کار «کاوِه» که نیتش خدمت بعلم است در زبان فارسی.

تصحیح

در شماره اول روزنامه «کاوِه» (دوره جدید) غلط فاحشی در استنساخ روی داده که تصحیح آن از واجبات است و آن این است که تاریخ عربی روزنامه در سرلوحه و هم چنین در تاریخ بدو انتشار دوره جدید کاوه در مقاله اول بجای غره جمادی الأولى سهواً غره جمادی الآخره نوشته شده در صورتیکه غره جمادی الآخره تاریخ همین شماره دوم است.

این اطلاعات از احصائیه آخری گمرکات دولت ایران که برای سال مالیّه ایران (از نوروز ۱۳۳۵ تا نوروز ۱۳۳۶) ترتیب داده شده اخذ شده است. احصائیه سالانه در ماه دوم پائیز (عقرب) در طهران ترتیب و طبع میشود برای سالهائی که در اول بهار گذشته ختم شده. پس میتوان قیاس کرد که در احصائیه جدیدی که در پائیز گذشته برای سال مالیّه بعد (یعنی از نوروز سال ۱۳۳۶ تا نوروز ۱۳۳۷) ترتیب داده شده است (که هنوز بدست ما نرسیده) فرق فاحش در ترقی تجارت انگلیس با ایران بخیر انگلیس چقدر عظیم خواهد شد.

در حسابهای فوق میزان و مظنه لیره انگلیس را نسبت بتومان ایران هم باید در نظر گرفت که در سال مزبور چقدر بالا بوده و حالا بدو تومان و شش قران پائین آمده است.

§§ کاغذ هائی که از ایران میرسد از اواخر سال گذشته ۱۳۳۷ مهر «سانسور» و نظارت انگلیس را دارد.

§§ عنوان کاغذ هائی که بایران (طهران) نوشته میشود باید بطریق ذیل نوشته شود: Via Boulogne-Tarente et Field Post Office Britannique Batoum-Bakou-Enzeli. Téhéran, Persia.

و برای آذربایجان بجای باطوم-باکو بایستی باطوم-تفلیس-جلفا نوشته شود.

اخطار

روزنامه «کاوِه» مثل هر متاع دیگر لابد هم طلب و هم معرض پیدا خواهد کرد ولی ممکن است بدبختانه بسیاری از هموطنان ما اصلاً داخل هیچ یک از این دو جمع نباشند و نسبت باین گونه اتمه بکلی بی‌قید باشند. ماسی خواهیم کرد این گونه مردم را در جرکه طالبین روزنامه خود در آوریم ولی فعلاً هم برای این مقصود و هم برای استحکام اساس روزنامه اداره «کاوِه» مجبور است بآن دسته اول یعنی طالبین ولو هر قدر کم باشند خطاب نموده و تقاضا کند که مارا در ترتیب اروپائی توزیع کاوه که پیش گرفته‌ایم تأیید و تشویق کنند یعنی وجه اشتراک را نقداً پیشکی بدهند. اگر چه این ترتیب در ایران رایج نشده ولی باید عاقبت روزی دایر شود که هم اسباب سهولت کار است و هم برای مشتری و فروشنده بی درد سر. ترتیبی که ما میخواهیم پیش بگیریم این است که بهر مشتری جداگانه و مستقیماً بعنوان خودش توسط پست روزنامه بفرستیم بدون احتیاج بوکیل و موزع و محصل وصول پول اشتراک در آخر سال. آنهائی که در فرنگستان هستند میتوانند مستقیماً توسط پست وجه اشتراک را برسانند. از ایران و عثمانی هم مستقیماً میشود بطور حواله بیکی از سراسر مهمه اروپا برات پستی گرفت و فرستاد ولی علاوه بر این ممکن است که پول را بیکی از چهار و یا پنج اداره یا

سلسله انتشارات «کاوِه»

ایران آلمان سایر ممالک
قران مارک فرانک

(۱) گنج شایگان

یا اوضاع اقتصادی ایران ۸ ۳۰ ۱۲

(۲) کشف تلیس از روی اسناد محرمه

انگلیسی در باب ایران ۳ ۸ ۲۵۰۰

(۳) جنایت روس و انگلیس

نسبت بایران ۱۰۰۰ ۱۰۰۰ ۰۰۰

(۴) مختصر تاریخ مجلس ملی ایران

..... ۴ ۸ ۳

کتابهای فوق در اداره کاوه بفروش میرسد و بطلبین که قیمت را قبلاً بفرستند و یا بطور ادای در موقع تسلیم توسط پست ارسال میشود. بکسانی که خرید کلی کنند و بکتابفروشها تخفیف مهم داده میشود